



ماهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قلم  
سال یازدهم | شماره چهل و نه | شهریور ۱۴۰۳









## تفاوت سیاسی ورود به قرن جدید

یک مقایسه کوچک و پرمعنا با هنگام ورود کشور در قرن قبلی یعنی ۱۳۰۰ اگر بخواهیم بکنیم، در سال ۱۳۰۰ آغاز دیکتاتوری وابسته رضاخان بود که در واقع کودتای انگلیسی به وسیله و به دست رضاخان بود. در واقع حکمرانی وابسته و دیکتاتوری و در حقیقت انگلیسی در کشور بود. امسال در ورود به قرن ۱۴۰۰، سال انتخابات است یعنی حکمرانی مبتنی بر اتکا به نفس و اعتماد به نفس ملی. ما ورودمان در این قرن یک تفاوت به این مهمی دارد ...



## شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان  
آذربایجان شرقی

مدیر مسئول: محمد صالحی اول

سر دبیر: رضا ایمانی

مدیر اجرایی: الهه طهمزی زنوزق

دبیر واحد تعلیم و تربیت: شیوا اسمعیلی

دبیر واحد سیاسی: رقیه شاکر

دبیران واحد فرهنگی: ولی امیرطاهری، زهرا متقی  
نعمت آباد

دبیر واحد فناوری- رسانه: راضیه شاکر

طراح و صفحه آرا: رضا نوبهاری

طراح جلد: رضا نوبهاری

عکاس: سارا عباسی

ویراستار: الهه طهمزی زنوزق

روابط عمومی: سارا عباسی

هیئت تحریریه: ابوالفضل روزه، امیرحسین نریمانی،  
آیلار عباسپور، زهرا فرمانی خوشه مهر، راضیه شاکر،  
رقیه شاکر، معصومه غیرتی، فاطمه ملکی قطار، نگین  
شیخی، شیوا اسمعیلی، امیرمهدی نظرلو، فاطمه  
دهقان، ولی امیرطاهری

## فهرست

- ۵ ..... عدالت آموزشی، قربانی تبعیض ها
- ۶ ..... تعلیم و تربیت در انحصار افراد خاص
- ۷ ..... هیولای آموزش و پرورش
- ۹ ..... گزینش
- ۱۱ ..... مدرسه، نگران آینده‌ی شغلی دانش آموز
- ۱۲ ..... زخم‌هایی که تازه می‌شوند
- ۱۴ ..... کریدور زنگزور، راهی برای دور زدن ایران
- ۱۵ ..... نهروانیان زمان \_ بخش اول
- ۱۶ ..... کاربرانه (۵ برنامه برتر ویرایش ویدیو)
- ۱۸ ..... قهرمانی قرآنی
- ۱۹ ..... روایت روز اول معلمی
- ۲۰ ..... از تبار رضا (ع)
- ۲۱ ..... امام عشق
- ۲۲ ..... دوشنبه‌ی تلخ



## تعلیم و تربیت در انحصار افراد خاص

ابوالفضل روزه، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس علامه امینی تبریز

این روزها که اعلام نتایج کنکور تبدیل به تیتتر یک اخبار کشور شده است، نگاهی متفاوت می‌تواند دریچه‌ای دیگر از این بحران بزرگ تحصیلی را به ما نشان دهد.

### یک سوم قبولی‌ها از پایتخت!

توزیع ناعادلانه امکانات آموزشی منجر به دسترسی آسان و بیشتر دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در تهران به این امکانات شده است و دانش‌آموزان مناطق محروم روزبه‌روز محروم‌تر می‌شوند.

### گویا پایتخت‌نشینی رمز موفقیت است!

اتفاقی که امسال هم تکرار شد، محل زندگی می‌تواند سهم قابل توجهی از موفقیت تحصیلی شما در کنکور را تضمین کند! آمار و ارقام کنکور امسال نشان می‌دهد از مجموع ۴۰ داوطلب برتر ۵ رشته کنکور سراسری، تهران با حضور ۱۱ نفر که معادل ۲۷.۵ درصد آمار برترین‌ها است در صدر جدول رتبه برترها حضور دارد. بعد از تهران، مشهد با ۱۵ درصد و تبریز و اصفهان هر یک با ۷.۵ درصد جایگاه مشترک سوم را از آن خود کردند. اما زمانی اوضاع آموزش طبقاتی در کشور وخیم‌تر می‌شود که به آمار رتبه برترها بر اساس نوع مدارسشان نگاه می‌کنیم.

### ۷۳ درصد از برترین‌های سه رشته پرمخاطب سمپادی هستند!

زنگ خطر به صدا در آمد! در بین ۰۱ نفر اول رشته‌ی علوم تجربی حتی یک نفر هم غیرسمپادی وجود ندارد و این دست بالای آموزش سمپاد را در بزرگ‌ترین ماراتون تحصیلی کشور نشان می‌دهد. بعد از مدارس خاص نوبت به مدارس غیردولتی می‌رسد، جانشین خلف سمپاد! با ۴ نفر نماینده و در آخر مدارس دولتی با ۲ نماینده در انتهای جدول برترین‌ها.

اما صبر کنید، این پایان ماجرا نیست. آمار و ارقام عجیب پایتخت‌نشینان ادامه دارد! از ۰۱ رتبه برتر تهرانی ۶ نفر سمپادی و ۴ نفر مابقی از مدارس غیردولتی‌اند و این‌گونه فاتحه‌ی مدارس دولتی و نیمه‌دولتی خوانده شد.

با تحلیل و بررسی بیشتر این موضوع، شاید در نگاه اول بگوییم هدف از تأسیس مدارس سمپاد همین بود که نخبه‌ها را در یک مدرسه متمرکز کنیم؛ تصمیمی که از روز اول منتقدان بسیاری داشت.

در سطح جامعه محصلان مدارس دولتی، دیگر امیدی ندارند. اکثر دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان مثل سال‌های قبل درگیر کنکور نیستند. این موقعیت به مانند شمشیری دو لبه است؛ یا باید به فال نیک بگیریم و بگوییم خود دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان متوجه شده‌اند که آینده‌ی آن‌ها به کنکور گره نخورده است، اما لبه‌ی خطرناک این شمشیر! اغلب دانش‌آموزان از تقلب‌ها، بی‌عدالتی‌ها و رقابت غیرمنصفانه دم می‌زنند و این را عامل بی‌میلی خود و دوستانشان از شرکت در کنکور می‌دانند. دانش‌آموزان جز فرار از مشکل چاره‌ی دیگری ندارند. گویی سد کنکور هر سال بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود.

بله! این روزها تنها زمانی است که صدایمان می‌رسد تا از این ناعدالتی بزرگ که در آینده‌ای نزدیک باعث بحران بزرگ آموزشی در کشور می‌شود، صحبت کنیم. اگر امروز صدایمان شنیده نشود، باید یک سال صبر کنیم شاید لابه‌لای اخبار کنکور سال بعد حرفی از عدالت آموزشی هم زده شود.

زمان تحول فرا رسیده است؛ باید مسئولان آموزش و پرورش و اندیشمندان این حوزه به دنبال راه چاره‌ی دائمی باشند. راهی که به نفع دانش‌آموزان ایران عزیزمان هست.







## هیولای آموزش و پرورش

امیرمهدی نظرلو، دانشجوی کارشناسی آموزش زیست‌شناسی، پردیس علامه امینی تبریز

تحول در نظام آموزش و پرورش، عاملیت یا ساختار؟

چگونه نظام اجتماعی و جامعه، تغییر می‌کند؟

با تربیت انسان عامل یا تغییر ساختار؟

در کشاکش و تقابل بین دو عامل مهم در تغییر و تحول هر سیستم و نظامی، کدام یک پیروز می‌شود؟ و می‌تواند ما را از چنگال ظلم و بی‌عدالتی در تنگه مهیب آموزش و پرورش بیرون آورد و به جایی برساند که در این پیچ تاریخی حساس عصر حاضر، پیش‌رانه‌ی ساخت تمدن نوین اسلامی باشد.

در این‌که عاملان به وجود آورنده و تغییردهنده ساختار هستند، شکی نیست. اما از طرفی، گاه ساختار آن چنان قدرتمند و پیچیده می‌شود که همچون عاملی پویا، زنده و باهوش عمل می‌کند و هر چه سد راهش شود، می‌بلعد؛ حتی عامل به وجود آورنده‌اش را. به خصوص زمانی که ساختار خود را تبدیل به باور و فرهنگ کند و در کنار آن این گزاره را هم قرار دهیم که «عاملان که ساختار را تغییر می‌دهند، خود تحت‌تأثیر فرهنگ هستند»، فرهنگی که شاید ساختاری مرموز در جلد فرهنگ باشد. ساختاری که سال‌هاست بی‌سر و صدا تبدیل به مکانیزم انتقال قدرت در سطح کلان و خرد و منبع تبعیض و بی‌عدالتی شده است. در آن صورت می‌شود خرمشهری که رهبری می‌گوید و برای اصلاح آن کربلا می‌خواهد و شهدای کربلا می‌کشد.

مثال عادی و پیش پا افتاده‌ی آن هم می‌تواند معلم تربیتی تحول‌خواهی که روش تدریس نوین را با همان روش سخنرانی ساختاری تدریس می‌کند، از طرفی به ساختارهای تحولی در نظامی همچون تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش چندین سال طول می‌کشد تا خود را نشان دهد. پس فرصت آزمون و خطا نیست. حال پرسش جدی‌تر می‌شود؛ برای اصلاح از کدام یک باید شروع کرد؟ عاملیت یا ساختار؟

اگر عاملیت، چگونه عاملی در آموزش و پرورش می‌خواهیم؟ آن‌چه سیاست‌های حکمرانی در امر تعلیم و تربیت طی این سال‌های متمادی دیده شده، ماسفانه سرشار از ابهامات و تناقضات و دوگانگی‌ها در حرف و عمل است.

آیا به دنبال یک فرد آرام منفعل بله چشم‌گو هستیم؟ یا یک فرد متفکر ساختارشکن اثرگذار و طغیان‌گر علیه وضع موجود؟ خودتان قضاوت کنید. یک بار دیگر در این ویژگی‌ها و نحوه‌ی برخوردی که خودتان با چشم سر دیده‌اید، تأمل کنید. کدام‌یک در حرف گفته می‌شود و کدام‌یک در عمل دیده می‌شود؟ و اگر ساختار، چگونه با ساختاری قدرتمند که هر عاملی را در خود هضم می‌کند و اجازه نمی‌دهد و در برابر هر گونه تغییری بر ضد خود مانند یک هیولای دارای هوش مصنوعی قوی عمل می‌کند، باید مبارزه کرد؟

پروپزیر نیست که ضد سگولارترین حکومت و انقلاب پیروز بشود، بر سر کار بیاید ولی آموزش و پرورش آن در





نهایت، تفکیک زنگ دین و علم را در پیش بگیرد و روح و کالبد تعلم را از هم جدا کند و معلم را در ایده‌آل‌ترین حالت به عنوان یک تسهیل‌گر آموزشی، تقلیل دهد؛ در حالی که در اسلام و در قرآن نمونه واقعی معلم-شاگردی را شاهد هستیم: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا» که بسیار متفاوت از جهان‌یست که ما ساختیم. در آن حالت دیگر معلم دنبال شاگرد نیست که برای کلاس خصوصی خود دام و تور برای دانش‌آموز پهن کند، بلکه فضا طوری است که شاگرد دنبال مربی می‌دود؛ آن هم نه برای پول، بلکه به خاطر امر خطیر رشد «أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا». در ادامه هم تأکید و دعوت روی صبر، مشاهده، عجله نکردن، تفکر و اندیشیدن و به پاسخ رسیدن است «قَالَ فَإِنْ أَتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا»، نه صرف پرسشگری محض که دانش‌آموز امروزی فقط به دنبال پاسخ و رسیدن به آن است و روانشناسی امروز بر آن تأکید می‌کند تا قدرت اندیشیدن و خودباوری دانش‌آموز را از او بگیرد «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَفَقُّهَا». حتی سوال هم باید در جهت تفقه باشد. آری نمی‌دانیم چگونه شد که سکوت و اندیشیدن و تفقه جای خود را به سؤال کردن بیش از حد و گرفتن ماهی از دست معلم داد و منکری بار دیگر جای معروفی نشست و دانش‌آموزی که زیاد سؤال می‌کند را در قالب دانش‌آموز خلاق به جای دانش‌آموزی که خوب و به‌جا سؤال می‌کند، جا زدند. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمٌ، مَنْ عِلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ؛ هر که خوب سؤال کند، دانا شود، هر که دانا باشد، خوب سؤال کند».

با این‌که سال‌هاست محتوای مناسب و کاملاً توحیدی در دست داریم و مخصوصاً در دهه اخیر و بعد از نهای شدن سند تحول، مجموعه‌های مختلفی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به صورت تخصصی کار کرده‌اند ولی باز هم هیچ‌کدام از آن محتواها حتی نیمچه قدمی هم به دروازه‌ی آموزش و پرورش نتوانسته‌اند نزدیک شوند. چرا؟ واقعاً چه شد که این هیولا به این چنین قدرتی رسید.

پرده جالب‌تر قضیه این‌جاست که حتی نمی‌دانیم این همه مسأله و مشکل تقصیر کیست؟ چه کسانی در طول انقلاب خلاف انقلاب رفته‌اند؟ و باید یقه‌ی چه کسانی را گرفت؟ و حتی فکر نکنم خود شخص وزیر هم پاسخش را بداند.

در قسمت‌های بعدی منتظر سایر قدرت‌های این هیولا باشید تا در آینده راه‌حلی درست برای تحول در پیکره این اژدهای هفت سر چموش پیدا کنیم.

تا شناسی گهر یار خویش / گام منه زین ورطه اصلاح، بیش

ادامه دارد ...





## گزینش

امیرحسین نریمانی، دانشجوی کارشناسی امور تربیتی، پردیس علامه امینی تبریز

کشور عزیز ما ایران پس از انقلاب سال ۷۵۳۱ دارای رویکرد جدیدی در شیوه حکمرانی شد. این شیوه که خواهان تمام مردم بود، مبتنی بر اصول اسلامی و دینی، قوانین خود را وضع و نظم بخشید. اما بحث ما که مربوط به «گزینش» است، بدون ارتباط با قوانین کشوری و اسلامی نیست.

اگر بخواهیم موشکافی عمیق در این مسئله را داشته باشیم و با دید عمیق و جزئی به ابعاد مختلف مسئله بپردازیم، اولاً نوشتاری در حدود یک جلد کتاب یا بیشتر را می‌طلبد و ثانیاً در آخر نتیجه و یافته‌ای جز این که تماماً صحیح و بر مبنای عقلی و دینی است، نخواهیم یافت. اما برای شروع بررسی این موضوع، ابتدا باید بدانیم آیا گزینش دارای قوانین خاص به خود است و این قوانین چگونه مطرح شده است؟!

امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۱ دی ۱۶۳۱، نامه‌ای را خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری تحریر فرمودند که در این نامه ستاد را موظف به انحلال هیأت‌های گزینش در آن زمان می‌کنند و دستور تشکیل هیئت‌هایی را صادر می‌کنند که متشکل از افراد صالح، متعهد، عاقل، صاحب اخلاق کریمه، فاضل و متوجه به مسائل روز باشند و حتی ایشان به ریز مسائلی نیز اشاره می‌فرمایند که در ادامه، عین نوشته‌های مرحوم امام خمینی (ره) را مطالعه می‌کنیم.

### ۱. ملاک، وضعیت فعلی افراد است.

ایشان در رابطه با ملاک قرار دادن وضعیت پیشین افراد و وضعیت فعلی، می‌فرمایند: «چنانچه قبلاً تذکر داده‌ام، میزان در گزینش حال فعلی افراد است، مگر آن که از گروهک‌ها و مفسدین باشند یا حال فعلی آن‌ها مفسده‌جویی و اخلاص گری باشد و اما کسانی که در رژیم سابق به واسطه جو حاکم یا الزام رژیم ستمگر مرتکب بعضی نارواها شده‌اند ولی فعلاً به حال عادی و اخلاق صحیح برگشته‌اند، تدریجی‌های جاهلانه در حق آن‌ها نشود که این ظلم است و مخالف دستور اسلام و باید ممنوع اعلام شود».

### ۲. اشکال مرحوم امام خمینی (ره) به سؤالات گزینش آن زمان که سؤالاتی سخت و پیچیده و غیرضروری برای افراد بوده است.

ایشان در این رابطه فرموده‌اند: «از آن‌جا که بسیاری از سؤال‌های اسلامی این کتابچه‌ها از مسائل غیر محل اطلاع می‌باشد که شاید فضلا و علمای زحمتکش نیز در جواب آن‌ها عاجز باشند، و نیز بعض آن‌ها غلط و بعضی از سؤال و جواب‌ها بر خلاف است، این نحوه سؤالات به هیچ‌وجه معیار در گزینش افراد نیست و ندانستن آن‌ها برای آنان اشکال و عیبی ندارد».

### ۳. برگشت افرادی که به دلیل ندانستن جواب سؤالات، اخراج یا استخدام نشده‌اند.

مرحوم امام (ره): «ستاد محترم اشخاصی را مأمور کند که اگر افرادی، چه به واسطه سؤال‌های شرعی که دانستن آن‌ها برای این اشخاص لزوم ندارد و چه سؤال‌های ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و یا وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند و یا به واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم‌پذیرش به صرف این امور یا اشباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آن‌ها شده است، ظلم فاحش است و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه این‌ها باید جلوگیری شود».

### ۴. تجسس در احوال اشخاص به جز مفسدین و گروه‌های خراب‌کار ممنوع است.

مرحوم امام (ره): «تجسس از احوال اشخاص در غیرمفسدین و گروه‌های خراب‌کار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به این که چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می‌شود، مخالف اسلام و تجسس کننده، معصیت‌کار است. باید در گزینش افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مطهر ممنوع شود».

این نامه دارای مطالب دیگری نیز می‌باشد که فقط نکات مربوط به موضوع حاضر وارد شده است.



بنابراین کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی بر اساس فرمان مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ حضرت امام خمینی (ره) و به استناد ماده (۱۸) قانون گزینش معلمان مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری قانون مذکور مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ آئین‌نامه اجرایی را بنا به پیشنهاد هیأت عالی گزینش، تصویب نمود.

این قانون دارای پنج فصل و متشکل از ۵۲ ماده و چهل تبصره است که ماده ۲ این قانون بیشتر مطرح است که به شرح ذیل می‌باشد:

در ماده دو این قانون تمامی نیروهای نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران اعم از کارکنان آموزش و پرورش، مدارس غیرانتفاعی، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه اعم از داوطلبان مراکز تربیت معلم، دانشسرای تربیت معلم، تعهد دبیری، متعهدین خدمت و استخدام و اشتغال و بورسیه‌های داخل و خارج، اعزام مأمورین ثابت، مأمورین و منتقلین سایر دستگاه‌ها برای مشاغل آموزشی و غیرآموزشی، دارا بودن شرایط زیر می‌بایست در آن‌ها احراز شود:

۱. اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. التزام عملی به احکام اسلام.

۳. اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانونی اساسی.

۴. عدم اشتغال به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق.

۵. عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آن‌ها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود، مگر آن که توبه‌ی ایشان احراز شود.

۶. عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر.

۷. عدم اعتیاد به مواد مخدر.

که تمامی این موارد به علاوه شرایط خاص استخدامی مثل شرایط علمی در رابطه با دانشجومعلمان در ابتدای جذب آن‌ها با مصاحبه و تحقیق میدانی صورت گرفته است.

اما در پایان دوره تحصیلی دانشجومعلمان نیز حسب گزارش‌ها و اطلاعاتی که از سوی دانشگاه فرهنگیان به ادارات محل خدمت دانشجویان ارسال شده است، مجدداً گزینشی صورت می‌گیرد و پس از آن استخدام آزمایشی فارغ‌التحصیلان به استخدام قطعی تبدیل می‌شود.

موضوعی که در این بحث از اهمیت بالایی برخوردار است، آن است که دانشگاه فرهنگیان در حکم یک مرجع علمی و تربیتی مهم در این کشور است که به فرموده مقام معظم رهبری مدظله العالی، مرکز ثقل نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود. اگر بنده بخواهم مرکز ثقل را معنی کنم، معانی همچون «تکیه‌گاه»، «اتاق فکر» و «مرکز فرماندهی» را بر می‌گزینم که بالواقع جز این هم نیست. یعنی هر آن‌چه در دانشگاه فرهنگیان باشد، مطمئناً در نظام آموزش و پرورش هم خواهد بود.

در سوی دیگر نیز که سند تحول بنیادین، شش ساحت تربیتی را کارشناسانه مطرح می‌کند، بر اهمیت شرایط و جو حاکم بر دانشگاه فرهنگیان می‌افزاید. یعنی چگونه می‌باید دانشگاه فرهنگیان در همه بخش‌ها با برنامه‌ای مدیریت شود که با فارغ‌التحصیلان دانشگاه بتوانیم انتظارات سند تحول بنیادین را در متن جامعه به دست آوریم.

این مسئله‌ی بسیار مهمی است و نه تنها انتظار نظام آموزش و پرورش بلکه بسیاری از خانواده‌ها می‌باشد که فرزندان خود تحت آموزش و پرورش باشند که شش ساحت تربیتی آن‌ها به دقت مورد توجه قرار گیرد.



بنابراین به جاست که دانشجویان این دانشگاه بیشتر و فعال تر از دیگر دانشجویان این مرز و بوم که انتظارات کمتری از آن ها است، نسبت به پرورش تمام ابعاد زندگی خود در کنار راهنمایی ها و آموزش های دانشگاه فرهنگیان اهتمام ورزند. دانشگاه نیز با فراهم کردن زمینه های آموزشی، تربیتی، صنفی و رفاهی مطلوب و باقاعده، نقش راهنمایی خود را ایفا کند و این نکته نیز جای تأمل و تفکر دارد که هم عزیزان مسئول و هم دانشجویان، رابطه ای صمیمی و همکاری داشته باشند و به دور از اختلاف ها، تنش ها و فضای روانی غیرمطلوب با یکدیگر در مسیر اعتلای نظام آموزش و پرورش اقدامات لازم را دنبال کنند. فضایی که اگر چنانچه دانشجویی نسبت به روند اجرایی، پیشنهاد یا روشی بهتر می داند را صمیمی به مسئول محترم آن بخش ارجاع دهد و متقابلاً اگر مسئولین محترم موردی را دور از بایسته ها می دانند با تذکرات صمیمی و دوستانه به دانشجویان اطلاع دهند تا دانشجو نسبت به آن مورد توجه داشته باشد.

این ها مبانی ما است. همان طور که در قرآن کریم سوره بقره خداوند متعال می فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم با خوش زبانی سخن بگویید».

چه بسا اشکالی که در بنده هست با خوش زبانی و صمیمیت رفع شود و با نوع رفتار دیگر، لجاجت بیشتری پیدا کنم.



## مدرسه، نگران آینده‌ی شغلی دانش‌آموز

آیلار عباسپور، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

پرسیدم: «وقتی بزرگ شدى مى‌خواهى چه شغلى داشته باشى؟» بلافاصله گفتم: «دندان‌پزشک، چون به این مى‌گویند شغل خوب». به فکر فرو رفتم. متوجه این نکته هستم که هر کس علاقه، استعداد و شرایط خاصى دارد و نباید به همه یک نسخه پیچید؛ اما هر حرف ما معلمان برای آینده‌ی دانش‌آموزان سرنوشت‌ساز است.

طبق تجربه‌ی من در طول ۱۲ سال تحصیلی در ایران، هیچ راهنمایی مؤثری برای انتخاب شغل نداشتم و همین‌طور در طول سه سال دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان، هیچ کتاب و یا کارگاه خاصى در جهت راهنمایی دانش‌آموزان برای انتخاب شغل آینده در نظر گرفته نشد.

اما نتیجه‌ی حاصل چه بوده است؟ تقریباً قریب به اکثریت افرادی که مى‌شناسیم، مى‌خواهد یا مى‌خواست پزشک شود. وقتی علت را جویا مى‌شویم، متوجه مى‌شویم این حرف از کودکی به او القاء شده که پزشک شدن یعنى موفق شدن و اگر پزشک نباشی، زندگى سختی خواهی داشت.

اگر به بررسی پیشرفت‌های موجود در آموزش و پرورش ایران برسیم، کتابی با عنوان «تفکر و پژوهش» و همچنین حضور مشاور در مدرسه از کارهای انجام شده در راستای کمک به دانش‌آموزان مى‌باشد. اما نتیجه‌ی حاصل از آن محسوس نیست، چرا که هر ساله آمار شرکت‌کننده‌های کنکور تجربی بسیار بالا مى‌رود.

حدود دو سال پیش، وزیر وقت آموزش و پرورش خبر داده بود که کتابی در جهت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در دست تألیف است. اما آنچه مسلم است، آگاهی‌بخشی در مورد رشته‌های گسترده‌ی دانشگاهی بسیار اندک بوده و این مسئله مشکلات بسیاری همراه آورده است. لذا انتظار مى‌رود دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به عنوان پیشگامان حوزه‌ی دانش و تربیت از این مسئله آگاه باشند تا با توفیق حق، گام‌های مؤثری در این مورد بردارند.

طبق تحقیقات به طور کلی اگر سه مورد زیر به درستی اجرا شود، راه انتخاب شغل آینده برای نوجوانان هموارتر خواهد شد:

۱. در ابتدا افراد باید به درک روشنی از خود برسند، همچنین استعدادها و توانایی‌های خود را با توجه به محدودیت‌ها و منابع موجود در نظر بگیرد.

۲. در درجه‌ی دوم باید اطلاعات و شرایط مورد نیاز از حرفه انتخاب شده و سایر حرفه‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار داد.

۳. در درجه‌ی سوم نیز باید به فرصت‌های حرفه‌ی انتخاب شده و مزایای آن پرداخت.

در دیگر کشورهای دنیا نیز برای امر هدایت تحصیلی، اقداماتی انجام شده است. یکی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا، ژاپن است. در هر مدرسه‌ی ژاپن چندین مشاور حضور دارد که هر کدام به طور تخصصی در زمینه‌ای خاص مشاوره مى‌دهند. یکی از این زمینه‌ها، هدایت تحصیلی است. همچنین در کتابخانه‌ی مدارس ژاپن، بسته‌های اطلاعاتی مشاغل وجود دارد که به طور کامل و با جزئیات و به طور تخصصی به این موضوع پرداخته است. دعوت دانش‌آموزان به سخنرانی‌های اساتید دانشگاه توکیو در مورد انتخاب شغل نیز هر ساله انجام مى‌گیرد.

همچنین در کشور آمریکا نظرسنجی آنلاین از جامعه‌ی آماری دانش‌آموزان دبیرستانی انجام گرفته شده است؛ اکثر آنان اعتقاد دارند منبع درآمد لزوماً نباید از رشته‌ای که در دانشگاه تحصیل مى‌کنید، باشد. به نظر مى‌رسد این ذهنیت باعث مى‌شود جوانان با علاقه‌ی بیشتری به سمت رشته‌های دانشگاهی مورد نظر حرکت کنند.



## زخم‌هایی که تازه می‌شوند... وعده‌هایی که صادق می‌شوند...

**رژیم صهیونیستی جواب کدام جنایات خود علیه ایران را باید دهد؟**  
زهرا فرمانی خوشه‌مهر، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

تیر ۱۳۶۱ / ربودن احمد متوسلیان

دی ۱۳۸۸ / ترور مسعود علی‌محمدی

آذر ۱۳۸۹ / ترور مجید شهریاری و فریدون عباسی

مرداد ۱۳۹۰ / ترور داریوش رضایی‌نژاد

آبان ۱۳۹۰ / ترور تهرانی مقدم

آذر ۱۳۹۰ / ترور مصطفی احمدی روشن

۱۳ دی ۱۳۹۸ / ترور شهید حاج قاسم سلیمانی

تیر ۱۳۹۹ / انفجار نطنز

آذر ۱۳۹۹ / ترور شهید فخری‌زاده

۱۴۰۳ / حمله به کنسولگری ایران

۱۰ مرداد ۱۴۰۳ / ترور شهید اسماعیل هنیه (از رهبران حماس) در خاک کشورمان

عناوینی که می‌بینید گوشه‌ای از جنایاتی است که رژیم غاصب صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. حال به شرح تعدادی از این جنایات می‌پردازیم:

حاج احمد متوسلیان به همراه سه نفر دیگر که عنوان رسمی دیپلمات ایرانی را داشتند، توسط نیروهای رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۶۱ دستگیر شدند ولی متأسفانه تاکنون خبر دقیق و موثقی از زنده بودن یا نبودن این چهار دیپلمات کشورمان به دست نیامده است. در صورت زنده بودن آنان، به احتمال زیاد در زندان رژیم صهیونیستی در اسارت به سر می‌برند.

شهید دکتر مسعود علی‌محمدی از دانشمندان هسته‌ای کشور ما، دکترای فیزیک در زمینه‌ی ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی را داشت. او هنگام خروج از منزل توسط بمب‌گذاری از راه دور رژیم جنایتکار صهیونیستی به شهادت رسید.

دکتر فریدون عباسی و شهید مجید شهریاری، دو استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی در یک روز مورد سوء قصد قرار می‌گیرند. متأسفانه دکتر مجید شهریاری به درجه‌ی شهادت نائل می‌گردند و دو تن از همراهان ایشان زخمی می‌شوند. در سوی دیگر دکتر عباسی را مورد هدف قرار می‌دهند و چند ترکش به ایشان اصابت می‌شود، اما خوشبختانه ایشان جان سالم به در می‌برند.

ما بر سر آنکه این فغانه‌ها خواجه خورشید خورشیدیم



شهید حسن تهرانی مقدم با عنوان پدر موشکی ایران شناخته می‌شود. او نخستین فرمانده توپخانه سپاه و بنیان‌گذار واحد توپخانه در سپاه بود. او و تعدادی از یارانش در اثر انفجار زاغه مهمات در شهرستان ملارد به شهادت رسیدند. اگر چه ترور ایشان تکذیب شده است اما رسانه‌های رژیم صهیونیستی این انفجار را به سازمان موساد نسبت داده‌اند.

شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و با نشان نظامی ذوالفقار یعنی بالاترین نشان نظامی ایران، پس از ظهور داعش در عراق و سوریه، با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی به مبارزه با این گروه پرداخت. ایشان در شهر بغداد به شهادت رسیدند. تشییع جنازه ایشان بعد از تشییع جنازه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره)، بزرگ‌ترین تشییع جنازه تاریخ می‌باشد. در ادامه جنایات رژیم صهیونیستی، حائز اهمیت است که این رژیم در سالگرد شهادت حاج قاسم در گلزار شهدای کرمان با دو انفجار بزرگ، ۸۴ نفر از عاشقان مسیر این شهید بزرگوار را به شهادت رساندند. اما چه بسا خون حاج قاسم برای دشمنان خوفناک‌تر از خود حاج قاسم است. حاج قاسمی که با لبخند خود آرامش را به مظلومان هدیه می‌نمود و با خشم خود، هول و هراس را به جان دشمنان می‌انداخت.

حمله به نطنز که یکی از پایگاه‌های هسته‌ای ایران در شهر اصفهان است، توسط اسرائیل صورت گرفته است. ناگفته نماند که یکی از مقامات خارجی ادعا کرده که اسرائیل قبل از انجام این حمله، اجازه‌ی آن را از آمریکا گرفته و با آگاهی کامل آن به این حمله دست زده است.

رژیم صهیونیستی در اقدام دیگر خود ساختمان کنسولگری ایران در سوریه را که حکم خود خاک ایران را داشت، مورد هدف قرار داد و هفت عضو ارشد سپاه پاسداران را به شهادت رساند. این اقدام، خون ایران را به جوش آورده و باعث به وقوع پیوستن عملیات بزرگ وعده‌ی صادق شد. این عملیات را نخستین رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل، بزرگ‌ترین حمله‌ی پهلپادی جهان و بزرگ‌ترین حمله‌ی موشکی تاریخ ایران می‌نامند. ۱۶۲ پهلپاد، ۳۰ موشک کروز و ۱۰۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک شد. ایران بعد از این عملیات به رژیم اسرائیل تاکید کرد که در صورت وقوع یک اقدام دیگر از سوی این رژیم به تمامیت ارضی ایران یا اقدامات جنایتکارانه دیگر او، منتظر عملیات وعده‌ی صادق دو باشند. با این تفاوت که این بار دیگر تعداد موشک‌های شلیکی از سوی ایران بی‌شمار خواهد بود.

اما رژیم غاصب پا را فراتر گذاشته و اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس را که در کشور ما برای عرض تبریک به پیروزی رئیس جمهور جدید کشورمان جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان حضور داشت را شبانه در استراحتگاه ایشان در تهران به شهادت رساند. رژیم اسرائیل با این اقدام خود از خط قرمز کشور ما عبور کرده و این بار با ترور میهمان عزیزمان در خاک کشورمان، قدرت نظامی کشورمان را به چالش کشیده است. اکنون قدرت‌های بزرگ دنیا سعی در منصرف نمودن ایران از انجام وعده‌ی صادق دو هستند، اما ایران با قاطعیت تمام از وقوع حتمی این وعده خبر داده است.

حال اسرائیل در حال دست و پا زدن برای زنده ماندن است و مردم آن که از کشورهای متفاوت هستند، در جنگ روانی به سر می‌برند. معلوم نیست که وعده‌ی صادق دو، چگونه و چه زمانی به وقوع خواهد پیوست اما امیدواریم این جواب قاطعانه کشورمان، سیلی محکم به بدخواهان و دشمنان باشد و دیگر هیچ کشوری جرئت نگاه کردن چپ را به کشورمان نداشته باشد. زیرا ایران سرزمین نجیبان و مردمان باصالتی است که هیچ‌گاه شروع کننده‌ی جنگی نبوده و همیشه یار و یاور مظلومان بوده است.







## کریدور زنگزور، راهی برای دور زدن ایران

راضیه شاکر، دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی،  
پردیس فاطمه الزهراهای تبریز

پس از جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ، توافق‌نامه صلحی میان این دو کشور در مسکو به تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به امضا رسید. طی این بیانیه با نظارت روسیه، از طرفین خواسته شده که به انسداد ارتباطات بین جمهوری آذربایجان و نخجوان پایان دهند. بعد از پذیرش این توافق‌نامه از سوی دو کشور، نقش روسیه در تحولات منطقه قفقاز پررنگ‌تر شد.

حال آذربایجان با حمایت روسیه به دنبال ایجاد یک کریدور به نام کریدور زنگزور در ارمنستان هستند. این کریدور به گونه‌ای طراحی شده است که از آذربایجان آغاز شده، از ارمنستان عبور کند، وارد نخجوان شود و سپس با عبور از ترکیه به اروپا راه پیدا کند. مسئله این‌جاست که این کریدور چه تأثیری بر کشورهای منطقه قفقاز خواهد گذاشت؟

ایران برای آن که بتواند ارتباط تجاری و ترانزیتی با اروپا داشته باشد، سه مسیر زمینی دارد. که یکی از ترکیه، دیگری از آذربایجان و سومین راه از ارمنستان می‌گذرد. با توجه به این‌که ترکیه و آذربایجان روابط دیپلماسی مناسبی با ایران ندارند، مهم‌ترین و تنها راه برای ارتباط تجاری با اروپا برای ایران، از مسیر ارمنستان می‌گذرد. ایران می‌تواند از طریق ارمنستان به کشورهای شمالی از جمله گرجستان، روسیه و اروپا دسترسی پیدا کند؛ در حالی‌که یک کریدور از آذربایجان این دسترسی را قطع می‌کند. لازم به ذکر است در گذشته، ایران دو مرز با ارمنستان داشت؛ یک مرز در شمال غرب ایران بود یکی از استراتژیک‌ترین مرزهای ایران به شمار می‌رفت. اما رضا شاه در قرارداد مرزی سال ۱۳۱۰، این منطقه‌ی مهم یعنی «قره‌سو» را به ترکیه تقدیم کرد. در نتیجه این اقدام ما این مرز مهم با ارمنستان را از دست دادیم. بنابراین تنها مرزی که هم اکنون میان ایران و ارمنستان وجود دارد، منطقه‌ای به نام زنگزور یا استان سیونیک است.

از طرفی طی تغییرات مرزی طی سال‌های گوناگون قسمتی از خاک آذربایجان، یعنی نخجوان، از این کشور جدا افتاده و ارمنستان دقیقاً میان این دو قرار گرفته است. جمهوری آذربایجان برای برقراری ارتباط زمینی با نخجوان و حتی ترکیه، باید از منطقه‌ی زنگزور که مرز میان ارمنستان و ایران نیز هست، عبور کند. حال آذربایجان می‌خواهد در استان سیونیک ارمنستان که هم مرز با ایران است، دالانی به نام زنگزور ایجاد کند که بتواند مستقیماً

با نخجوان و ترکیه ارتباط داشته باشد. این در حالی است که ایجاد کریدور زنگزور، تأثیر فراوانی بر جایگاه ایران در منطقه قفقاز و همچنین روابط تجاری ایران با اروپا ایجاد می‌کند. در این صورت، تنها مرز ایران با ارمنستان نیز از بین رفته و دسترسی ما به اروپا به طور کامل قطع خواهد شد و تنها راه ارتباطی ایران و اروپا در اختیار جمهوری آذربایجان قرار خواهد گرفت. همچنین با توجه به مواضع جمهوری آذربایجان در مقابل اسرائیل، ایجاد این کریدور ممکن است راه را برای استقرار پایگاه‌های نظامی اسرائیل در منطقه قفقاز و مرز ایران و ارمنستان را هموار کند.

از سوی دیگر می‌توان گفت باز کردن این کریدور، دسترسی غرب و ناتو را به طرف دریای خزر تسهیل می‌کند و ممکن است حضور غرب در منطقه قفقاز را افزایش دهد. چرا که این راه کشورهای منطقه قفقاز را به وسیله‌ی ترکیه که عضو ناتو است به اروپا متصل می‌کند.

همچنین چین به عنوان یکی از قدرتهای جهان، به دنبال یافتن مسیرهایی برای دسترسی مستقیم به اروپا است. در حال حاضر راه‌های ارتباط زمینی چین با اروپا، از ایران می‌گذرد. یکی از معروف‌ترین این راه‌ها، همان راه ابریشم است که از چین به سمت ایران و سپس مدیترانه و اروپا می‌رود. اما با ایجاد کریدور زنگزور، این راه استراتژیک قطع خواهد شد. از طرفی وجود این مسیر راهبردی در ایران، تأثیر مهمی بر قدرت ایران خواهد داشت. ممکن است این مسئله نیز در حمایت روسیه از کریدور زنگزور بی‌تأثیر نباشد.

در این میان آذربایجان به علت دسترسی مستقیم و مستقل از مسیر ایران به نخجوان، در پی اجرای کریدور زنگزور است. از طرفی روسیه نیز منافی از این دالان دارد و به این جهت، ایجاد آن را پیگیری می‌کند. جنگ میان روسیه و اوکراین، انتقال انرژی به روسیه را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است و به نظر می‌رسد با توجه به انسداد خطوط شمالی، روسیه نیازمند این کریدور است.

اما در مقطع کنونی، این دالان با منافع جمهوری اسلامی ایران در تضاد است و افزون بر تهدیدات امنیتی، شرایط اقتصادی و تجاری را ایجاد می‌کند که مورد قبول ایران نیست. کشورهای منطقه نیز باید منافع جمهوری اسلامی ایران را نیز در نظر بگیرند.



## نهروانیان زمان \_ بخش اول

ولی امیرطاهری، دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی،  
پردیس علامه امینی تبریز

معروف و نهی از منکر برای آن‌ها فرقی نمی‌کرد که این امر به معروف و نهی از منکر کارساز خواهد بود یا خیر. فقط می‌دانستند چون امر به معروف و نهی از منکر واجب است باید صورت گیرد و توجه نمی‌کردند که برای این کار باید شرط بصیرت در عمل و بصیرت در دین وجود داشته باشد، چنانچه می‌رفتند پیش حاکم ستمگر و امر به معروف همان و کشته شدن همان. مثلاً به امر به معروف و نهی از منکر یزید بن معاویه برخاستند که منجر به کشته شدن تعداد کثیری از آنان شد.

اگر صورت‌های هر یک از آن‌ها را مشاهده می‌کردیم، از جای مهر و محاسن بلند فرد معنوی را می‌یافتیم. برای همین بود که علی (ع) گفت: «من بودم که چشم فتنه را از جا کندم و کسی جرأت این کار را جز من نداشت». ۱. چرا که ما هم اگر در آن زمان بودیم، تشخیص راه درست سخت بود. کسانی که در گروه خوارج یا در گروه جمل بودند جزو اصحاب پیغمبر و از افراد بزرگ بودند (مانند طلحه و زبیر). لذا سخت بود که با چنین افرادی پیکار کرد.

پس معیار تشخیص این افراد چه بود؟ در زمان علی طبیعتاً پیروی از خلیفه مسلمین آسان‌ترین راه بود. اما در این زمانه چه؟ در این زمانه که حق و باطل چنان به هم مخلوط شدند که سوا کردن هر کدام کار آسانی نیست، چه؟ در عصر جدید که ما در آن زندگی می‌کنیم و به اصطلاح عصر دیجیتال یا عصر اطلاعات نیز می‌گویند، چگونه می‌توان حق را از باطل تشخیص داد؟ در این‌جا هم خوب است به سخن امیرالمؤمنین گریزی زد و از راهنمایی ایشان استفاده کرد. ایشان در این رابطه چنین می‌فرمایند: «حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی‌شود شناخت. این صحیح نیست که تو اول شخصیت‌هایی را مقیاس قرار دهی و بعد حق و باطل را با این مقیاس‌ها بسنجی؛ فلان چیز حق است چون فلان و فلان با آن موافقند و فلان چیز باطل است چون فلان و فلان با آن مخالف! نه اشخاص نباید مقیاس حق و باطل قرار گیرند». ۲.

مالک چند صباحی با خیمه معاویه فاصله نداشت. سپاه کفر در زیر پرچم نفاق، قرآن‌ها را بر سر نیزه کرده بودند. پیام رسید که: «مالک، اگر می‌خواهی علی را زنده ببینی از همان مکانی که در آن هستی برگرد». مالک برگشت و کفر با خنده بر ریش خشک مغزان جمود فکر، به سوی نقشه جدیدی برای حکمیت رفتند.

خوارج بعد از این ماجرا به وجود آمدند. ولی آیا قبل از این نبودند؟ یا بعد از حدود دو قرن کاملاً منقرض شدند؟ جواب خیر است. چرا که خوارج تنها یک فرقه یا یک حزب نبودند که در یک زمانی به وجود آیند یا در یک زمانی منقرض شوند. خارجی‌گری یک عقیده است. یک طرز تفکر که در هر زمان و هر مکانی - که نظام عدل در آن‌جا وجود داشته باشد - وجود دارد؛ چه در زمان پیغمبر اکرم، چه در زمان علی، چه در زمان خلفای عباسی و چه بعد از صدها سال و در قرن ۲۱ و در خاورمیانه!

برای این‌که نهروانیان زمان خود را بشناسیم باید تاریخ پیدایش آن را مطالعه کنیم که در این مقاله نمی‌گنجد. لکن مقداری از این تاریخچه که مرتبط با مطالبی که در آینده خواهیم گفت، بیان می‌کنیم.

همانطور که گفته شد این تفکر خصوص زمان خاصی نیست؛ البته در زمان امام علی (ع) این عقیده بروز و ظهور پیدا کرد و از پس پرده به بیرون آمد. از همان زمان ثقیفه یا بعد عثمان که جفت پاها را کردند در یک کفش که علی باید خلافت را قبول کند یا همان زمانی که تیغ کشیدن که حکمیت را قبول کند یا همان زمانی که تیغ کشیدن که حکمیت گناه کبیره بود و باید توبه کند. اگر به همه این ماجراها نگاهی کنجکاوانه بیندازیم، متوجه می‌شویم که این افراد بر اثر افراط‌هایی که انجام داده‌اند، راه را کج کرده و بی‌راهه می‌روند. چرا از عقل خود استفاده نکردند، زمان‌سنجی نکرده و نادانسته پا در مسیری گذاشتند که خیری برایشان و برای دیگران نداشت. این افراد نمی‌توانستند اتفاقات زمان خود را تحلیل و تجزیه کنند و در ترازوی قرآن و سنت بسنجند!

هر چند که روحیه‌ای مبارزه‌گر داشتند و فداکاری‌های کم‌نظیری می‌کردند، چون نمی‌توانستند درست بسنجند، خون خود را بیهوده هدر می‌دادند. مثلاً در باب امر به





## Adobe Premiere Rush

Ru

این برنامه به صورت خیلی حرفه‌ای، تمام امکاناتی را که برای ویرایش یک ویدیو نیاز دارید در اختیار شما قرار می‌دهد. به گونه‌ای که روی گوشی هوشمند می‌توانید ویدیوهایی را ویرایش کنید که پیش‌تر فقط می‌شد روی سیستم‌های قدرتمند این کار را انجام داد. خود اپلیکیشن، دوربین حرفه‌ای و قدرتمندی دارد که می‌توانید ویدیوهای بسیار باکیفیتی را ضبط و بلافاصله بعد از ضبط، آن را ویرایش کنید. حتی امکان گویندگی روی ویدیوها به همراه قرار دادن جلوه‌های صوتی، کاهش نویز صدا و بهبود کیفیت صوت را برای شما فراهم می‌کند.

## CapCut

Ca

یکی از محبوب‌ترین و قدرتمندترین نرم‌افزارهای ویرایش فیلم اندروید و iOS است که امکان ساخت فیلم‌های بی‌نظیری را به شما می‌دهد. با این حال، کاربران ایرانی به دلیل تحریم‌ها، امکان دسترسی مستقیم به آن را ندارند و برای استفاده از آن باید از ابزارهای دور زدن تحریم استفاده کرد. کپ‌کات اپلیکیشنی با قابلیت‌های متنوع و در عین حال ساده است که امکان ساخت فیلم با موسیقی برای اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی را به شما می‌دهد. افزون بر قابلیت‌های رایجی مانند ویرایش فیلم، درج استیکر و فیلتر و موسیقی، امکاناتی مثل کی‌فریم انیمیشن، افکت‌های صحنه‌آهسته، کروم‌اکی، ایجاد کپشن و زیرنویس خودکار و... را در اختیار شما قرار می‌دهد.





## قهرمانی قرآنی

معصومه غیرتی، دانشجوی کارشناسی امور تربیتی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

ساره جوانمردی! نشان دادی که جوانمردی فقط در کاغذ، کنار اسمت نوشته نمی‌شود بلکه در وجودت نهاده شده؛ نشان دادی که جوانمرد بودن، خاص مرد نیست.

نشان دادی؛ تو پرچم ایران را در صدر به جهانیان نشان دادی؛ پرچم میهن را بالاتر از غیر نشاندی و به شکرانه‌ی آن بوسه بر قرآن نشاندی. به رسم سجده، پیشانی را روی الله این بیرق نشاندی.

پیش‌تر که با کودک خود روی سکو رفتی از ولی‌فقیه‌مان تحسین گرفتی. مادری را در قاب دوربین‌های بین‌المللی جای دادی و این‌بار کتاب آسمانی را در پیشگاه چشم جهانیان روی چشم گذاشتی.

تعلیم می‌توان دید از تو؛ چگونه تیر به هدف زدن را، چگونه جایگاه فرزند و خانواده به رخ کشیدن را و چگونه مبلغ دین و دینداری بودن را. پرافتخارترین ورزشکار ایرانی بودنت را می‌توان در مدال‌های طلایات که به گردن آویختی دید.

جدا از مدال‌های طلایی جهانیات، مدال طلایی زنانگی بر گردن انداختی، مدال طلایی مادری، مدال طلایی مسلمانی و مدال طلایی ایرانی بودنت را به گردن آویخته و چشمان یک جهان را مات برق خوش رنگ مدال‌هایت کردی.

بوسه‌ات بر قرآن نشان داد که قهرمان بودنت را از که می‌دانی. به خوبی فهماندی که مدیون صاحب این کتاب آسمانی هستی اگر در زمین خوشنام گشتی. مادامی که صاحب‌سخنان کتابی که بوسیدی، چشم محبتش را به این خاک دوخته و این سرزمین در اوج خواهد بود. مادامی که این خاک جوانمردی دارد، مادامی که کانون خانواده را محترم دارد و تا زمانی که ایمان و اعتقاد به حق دارد، همواره زبانزد خواهد بود.





## روایت روز اول معلمی

فاطمه دهقان، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی،  
پرديس فاطمه الزهراي تبريز

پشت در کلاس نفس عمیقی می‌کشم و بسم الله  
گویان در را باز می‌کنم:  
\_ سلام بچه‌ها!

با دیدن دانش‌آموزان قد و نیم‌قد، ناخودآگاه لبخندی  
کنج لبم می‌نشیند. خودم را معرفی می‌کنم و با آنان هم  
آشنا می‌شوم. نوبت به ردیف دوم می‌رسد. دختر بچه‌ای  
در نیمکت دوم انگشتان دستش را به بازی گرفته و سرش  
را پایین انداخته است.

\_ دخترم اسمت چیه؟

دخترک بغل دستی‌اش سقلمه‌ای به او می‌زند که به  
خودش بیاید. سرش را بالا می‌آورد. صورت ملتهبش  
نشان از اضطرابش دارد.

\_ اسمم؟! اسمم نرگس خانم معلم.

و زیر گریه می‌زند. سعی می‌کنم حالتش را حفظ کنم.

\_ چه اسم قشنگی! نرگس خانوم اتفاقی افتاده؟

\_ نه خانم معلم، فقط دلم برای مامانم تنگ شده.

این جمله را که می‌گوید، چهره‌ی همه‌ی دانش‌آموزان  
گرفته می‌شود. حدسش را می‌زد. بالاخره اول مهر است  
و اضطراب‌هایش! به سمت میز قدم برمی‌دارم و جعبه‌ی  
بازی خلاق را که برای امروز طراحی کرده‌ام، بیرون می‌آورم.

\_ دختران قشنگ من! امروز قراره به مناسب اولین  
حضور شما در کلاس، یک بازی جالب انجام بدیم. روی  
هر کارت یک معمای تصویری چاپ شده؛ شما باید با  
کمک هم اونو پیدا کنید. باشه؟

\_ بله بله

کارت‌ها را بین دانش‌آموزان پخش می‌کنم و وقت  
می‌دهم تا فکر کنند و جواب بدهند. آرام‌آرام همه‌ی  
بچه‌ها کلاس را پر می‌کند و یکی‌یکی با ذوق و شوق جواب  
می‌دهند. نگاهی به نرگس می‌اندازم. لبخند زنان مشغول  
صحبت با بغل دستی‌اش شده و هیچ اضطرابی در اجزای  
صورت فرشته گونه‌اش نمی‌یابم.

برگ‌های تقویم یکی پس از دیگری ورق خورده بودند و  
برگ‌های زرد رنگ و هوای گرفته و خنک، نوید آمدن پاییز  
را می‌دادند. مقنعه‌ام را مرتب کردم، کوله‌ام را روی دوشم  
انداختم و از خانه خارج شدم.

در یک طرف کوچه، ناهید خانوم لاله را بدرقه می‌کرد و  
توصیه می‌کرد تا مبدا دخترکش گرسنه یا تشنه بماند و او  
با چشم‌های نیمه باز در حالی که چشم‌هایش را می‌مالید،  
چشمی گفت. زیپ ژاکتم را تا ته کشیدم و کمی پا تند  
کردم. از همان اول تحصیلم، شب قبل از مدرسه با ذوق  
و شوق کیفم را می‌بستم و صبح زودتر از مادرم بیدار  
می‌شدم. از همان ابتدا رغبت عجیبی به درس و مدرسه  
داشتم؛ اما الان...

از کوچه پس کوچه‌های باریک و میانبر منتهی به  
مدرسه گذشتم. برگ‌های خیس خورده کنار جدول گویای  
بارانی بود که شب اولین روز پاییز باریده بود و رنگ و جان  
تازه‌ای به شهر بخشیده بود. از دور ساختمان نیمه قدیمی  
و آجری مدرسه که به تازگی دیوارهایش را رنگ‌کاری کرده  
بودند، چشمک می‌زد. باز آن حس دلهره به سراغم آمد.  
دروغ چرا، می‌ترسیدم؛ از این‌که در این سال تحصیلی  
قرار است با چه چیزهای جدیدی مواجه شوم، از این‌که  
قرار است معلم‌مان چه کسی باشد، البته که دوست  
داشتم باز هم خانم محمدی معلم‌مان باشد. نمی‌دانم  
چرا این‌گونه شده بودم.

کوله‌ام را روی دوشم جابه‌جا کردم و جلوتر رفتم. مدرسه  
با آن نوارهای رنگی و ریشه‌ها، دوست‌داشتنی‌تر شده  
بود. ته دلم صلواتی فرستادم تا آرام شوم. در بین شلوغی  
جمعیت، زهرا را دیدم که برایم دست تکان می‌داد.  
لبخندی گوشه لبانم نشست. یک دفعه خودم را کنار زهرا  
یافتم که فارغ از تمام فکر و خیال‌ها، گرم صحبت شده‌ام.

با صدای خانم مدیر به خودم می‌آیم.

\_ خانم سعادت عزیز! حواستون کجاست؟ بچه‌ها سر  
کلاس منتظرتون هستند.

بیست سال گذشته است و سرنوشت دوباره مرا  
به سمت مدرسه کشانده است. این بار نه به عنوان  
دانش‌آموز بلکه به عنوان معلم!





## از تبار رضا (ع)

فاطمه ملکی قطار، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

وقتی از غربت حرف می‌زنم، اولین کلمه‌ای که به یادم می‌آید، مشهد امام رضا است. این‌جا حریم پرواز ملائک، قطعه‌ای از بهشت، قبله‌گاه عاشقان؛ این‌جا مشهدالرضا است.

امام رضا جانم، تو ای ترجمان عشق در چشمانت، ای بوی خوش یاس در سرایت، دیر بازیست که دل‌های عاشق را پناهگاهی، ای پادشاه ملک خورشید، در بارگاهت راهی نیست میان حاجت و اجابت. گدای کوی تو، تاج شاهی به سر دارد. به ضریحت پیوند خورده دل هزاران عاشق از هزاران سال پیش؛ کرامت کرامت همایونی است و عطایت فراتر از قابلیت ما گواهی می‌دهد، از عرشیان تا فرشیان؛ که تویی یگانه سلطان ملک عاشقی...!

ای شاه شاهان؛ این‌بار نیز با کوله‌باری از گناهان آمده‌ام تا پناهم بدهی. ای به فدای حرمت که ملجا درماندگان است، این بنده‌ی درمانده‌ات را دور مران و راهش بده.

ای آشنای غریب، ای عصمت هشتم، ای غریب‌الغربا، ای شمس‌الشموس و ای مولای من! کوچه‌های نیشابور هنوز بوی کلام عطرآگین تو را دارد. هر روز که خورشید خراسان، سینه‌ریز زرینش را از شوق می‌درد و انبوه دانه‌های طلایی‌اش از فراز آسمان بر حرمت می‌پاشد، کبوتر دل، بهانه‌کنان به سوی حرم تو پر می‌کشد و به سوی دانه‌های مهری می‌رود که برایش می‌پاشی.

دوست دارم روزها در گوشه‌ای از حیاط با صفای حرمت بنشینم و به زیبایی و لطف خیره‌کننده‌ات چشم بدوزم. ببینم که چگونه مهمان‌نوازی می‌کنی و با دستان مهربانت دانه‌های اشک را از روی گونه‌های سرد زائرین درگاهت می‌زدایی. من می‌دانم، تو خیلی مهربان هستی. کدام مهمانی را دیده‌ای که در غربت، خود مهمان‌نوازی کند؟ خود بنده‌نوازی کند؟ ای مهربان‌ترین، آیا می‌شود گوشه‌ای از لطف و کرم خودت را نصیب من نیز سازی؟ روزها در گوشه‌ای از حیاط با صفای حرمت می‌نشینم. چه چیز زیباتر از سکوت دل‌گشای حرمت که با صدای نقاره‌ها می‌شکند. این نقاره‌ها برای من زیباترین موسیقی جهان و نقاره‌چی‌هایت هنرمندترین هستند. چه زیبا است طنین صدای آن‌ها در گوش زائرانی که با حلقه‌هایی از اشک در چشمانشان منتظر معجزه‌ای از تو هستند.

«السلام علیک یا علی بن موسی الرضا»





## امام عشق

نگین شیخی، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

«دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست»

مرگش به است آن که به نزد حبیب نیست

آن کس که در میانه زوارتان بود

گر از بلاد دور بیاید، غریب نیست

ای مظهر محبت و ای شمس بی‌غروب

ترسم بگوپی‌ام که زیارت قریب نیست

بر من نظر بکن که به واللّه گر که من

جان را کنم فدای نگاهت، عجیب نیست

نالَم ز دوری و ز سر شوق تا ابد

«گر دردمند عشق بنالد، غریب نیست»

آن‌قدر نیک در دل ما جا گرفته‌اید

کاین عبد را به دوری مولا شکیب نیست







### دوشنبه‌ی تلخ

شیوا اسمعیلی، دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز

شب دوشنبه بود و ۸ صبح کلاس داشتم. تا صبح دل نگران بودم. نیمه‌های شب چند بار از خواب بیدار شدم و خبرها را چک کردم. استادمان در گروه نوشته بود: «سلام. با توجه به شرایط پیش آمده، من بیدارم و مانده‌ام فردا چه خواهیم کرد».

آن شب یک ایران بیدار بود. یک ایران نگران بود اما امیدوار. امید داشتیم خبر خوبی برسد. صبح قبل رفتن به دانشگاه خبر شهادتشان را اعلام کردند. اصلاً باورم نمی‌شد.

پنج روز بعد قرار بود من این خبر تلخ را برای دانش‌آموزان کلاس تداعی کنم. آخر چرا من؟ معاون و معلم‌راهنما خواسته بودند و نمی‌شد سرپیچی کرد. خواستم میز را در وسط سالن بر پا و آماده کنم، اما طاقت نیاوردم. زدم زیر گریه و به سمت حیاط فرار کردم. یک دل سیر اشک ریختم. صدای زنگ تلفن همراهم می‌آمد. خانم صادقی بود. حتماً دنبالم می‌گشت. باید کاری می‌کردم.

اشک‌هایم را پاک کردم. از نمازخانه کتابچه‌های زیارت عاشورا، قرآن، پارچه‌ی مشکی و سینی حلوا را برداشتم. زیاد بودند و سنگین. پارچه را روی میز کشیدم و قاب عکس شهدای خدمت را روی آن گذاشتم.

اما قاب عکس شهید رئیسی را لازم داشتم چرا که امروز مهمان عزیز کلاسمان بود. زیر لب زمزمه کردم: «وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا».









چقدر فاصله بین  
دو عمل دور است؛  
عملی که لذتش می‌رود  
و کیفر آن می‌ماند،  
و عملی که رنج آن  
می‌گذرد و پاداش آن  
ماندگار است.

نهج البلاغه حکمت ۱۲۱

تمامی حقوق اعم از محتوا و قالب برای فصلنامه  
علمی، فرهنگی و اجتماعی سحابی محفوظ می باشد.

علم

